



برنامه درسی در دوره متوسطه

(رشته علوم تربیتی)

دکتر مهران فرج‌اللهی دکتر سعید طالبی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام(ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

۱	فصل اول: برنامه درسی
۱	هدف‌های یادگیری
۱	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- دوره متوسطه
۶	۱-۳- برنامه درسی دوره متوسطه
۷	۱-۳-۱- برنامه درسی رسمی
۸	۱-۳-۲- برنامه درسی اجرایی یا عملیاتی
۱۰	۱-۳-۳- برنامه درسی پوچ
۱۰	۱-۳-۴- برنامه درسی فوق برنامه
۱۱	۱-۴- عناصر برنامه درسی متوسطه
۱۲	۱-۴-۱- مقاصد و اهداف
۱۹	۱-۴-۲- محتوا
۲۳	۱-۴-۳- فعالیت‌های یادگیری
۲۳	۱-۴-۴- روش تدریس
۲۵	۱-۴-۵- تکنولوژی آموزشی
۲۸	۱-۴-۶- مکان و زمان
۲۹	۱-۴-۷- سنجش و ارزشیابی
۳۱	۱-۵- برنامه‌ریزی درسی
۳۴	۱-۵-۱- مدل اداری
۳۴	۱-۵-۲- مدل ریشه‌ای
۳۴	۱-۵-۳- مدل اشاعه‌ای
۳۷	خلاصه
۳۸	سؤالات چندگزینه‌ای
۴۳	فصل دوم: ویژگی‌های محیط آموزشی (مدرسه و کلاس)
۴۳	هدف‌های یادگیری
۴۳	۲-۱- مقدمه
۴۵	۲-۲- عوامل کالبدی مدرسه

۴۸	۳-۲- شرایط فیزیکی کلاس درس
۵۲	۴-۲- مدرسه محوری، ارتباط والدین با مدرسه
۵۶	۵-۲- مدیریت کلاس درس (ارتباط بین معلم و دانش آموز)
۶۰	۶-۲- وظایف مدیریت کلاس
۷۰	خلاصه
۷۲	سؤالات چندگزینه‌ای

۷۷	فصل سوم: معلم
۷۷	هدف‌های یادگیری
۷۷	۳-۱- مقدمه
۷۹	۳-۲- نقش معلم در برنامه‌ریزی درسی
۸۲	۳-۳- صلاحیت‌های شخصی معلم
۸۵	۳-۴- ویژگی‌های حرفه‌ای معلم
۹۱	۳-۵- مشکلات معلمان دوره متوسطه
۹۱	۳-۶- استخدام و آموزش ضمن خدمت معلمان
۹۳	۳-۶-۱- آموزش ضمن خدمت برحسب زمان
۹۳	۳-۶-۲- آموزش ضمن خدمت برحسب هدف
۹۴	۳-۶-۳- آموزش ضمن خدمت برحسب ماهیت
۹۵	خلاصه
۹۶	سؤالات چندگزینه‌ای

۱۰۱	فصل چهارم: تفاوت‌های فردی
۱۰۱	هدف‌های یادگیری
۱۰۱	۴-۱- مقدمه
۱۰۴	۴-۲- تفاوت‌های جسمانی دانش‌آموزان
۱۰۵	۴-۳- تفاوت‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان
۱۰۶	۴-۳-۱- هوش
۱۱۱	۴-۳-۲- سبک یادگیری
۱۱۴	۴-۳-۳- باورهای خودکارآمدی
۱۱۷	۴-۳-۴- عزت نفس
۱۲۱	۴-۳-۵- تجربیات دانش‌آموزان
۱۲۳	۴-۴- تفاوت‌های خانوادگی دانش‌آموزان
۱۲۴	۴-۵- شیوه فرزند پروری و جو عاطفی خانواده
۱۳۰	خلاصه
۱۳۲	سؤالات چندگزینه‌ای

۱۳۷	فصل پنجم: مهارت‌های تحصیلی
۱۳۷	هدف‌های یادگیری
۱۳۷	۵-۱- مقدمه

۱۳۸	۵-۲- انگیزش پیشرفت تحصیلی و مهارت مطالعه
۱۵۱	۵-۳- مهارت درگیر شدن در تحصیل
۱۵۷	۵-۴- مهارت خودتنظیمی و مدیریت زمان
۱۶۰	۵-۵- مهارت امتحان دادن
۱۶۵	خلاصه
۱۶۶	سؤالات چندگزینه‌ای

۱۷۱	فصل ششم آموزش و یادگیری
۱۷۱	هدف‌های یادگیری
۱۷۱	۶-۱- مقدمه
۱۷۳	۶-۲- تدریس چیست؟
۱۷۴	۶-۳- نقش معلم در تدریس
۱۷۸	۶-۴- کاربرد روان‌شناسی در تدریس
۱۸۲	۶-۵- طرح درس روزانه
۱۸۷	۶-۶- مهارت‌های تدریس
۱۹۰	۶-۷- روش‌های تدریس
۱۹۸	خلاصه
۱۹۹	سؤالات چندگزینه‌ای

۲۰۳	فصل هفتم: مواد، وسایل آموزشی و فناوری اطلاعات
۲۰۳	هدف‌های یادگیری
۲۰۳	۷-۱- مقدمه
۲۰۵	۷-۲- تاریخچه فناوری اطلاعات
۲۰۹	۷-۳- بررسی فلسفی نسبت فناوری اطلاعات با تعلیم و تربیت
۲۱۱	۷-۴- فناوری اطلاعات و آموزش متوسطه
۲۱۴	۷-۵- معلم و فناوری اطلاعات
۲۱۷	۷-۶- روش‌های آموزش در عصر فناوری اطلاعات
۲۱۸	۷-۶-۱- آموزش مکاتباتی (نیمه‌حضوری)
۲۱۸	۷-۶-۲- آموزش دیداری و شنیداری (غیرحضوری)
۲۱۸	۷-۶-۳- آموزش مجازی (غیرحضوری)
۲۲۰	۷-۶-۴- روش ترکیبی (کاربری همزمان هر سه روش)
۲۲۱	۷-۷- عوامل فردی استفاده از فناوری اطلاعات
۲۲۴	۷-۸- آینده فناوری اطلاعات (فرصت‌ها و تهدیدها) و نظام آموزشی
۲۲۹	۷-۹- بررسی موانع به‌کارگیری فناوری اطلاعات در آموزش متوسطه
۲۳۲	خلاصه
۲۳۳	سؤالات چندگزینه‌ای

۲۳۹	منابع
-----	--------------

فصل اول

برنامه درسی

هدف‌های یادگیری

- انتظار می‌رود پس از خواندن این فصل بتوانید:
- هدف‌های خاص آموزش متوسطه را شرح دهید.
- تاریخچه ایجاد دوره متوسطه به سبک جدید در ایران را توضیح دهید.
- پنج نوع برنامه درسی را بیان کنید.
- عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی دوره متوسطه را شرح دهید.
- انواع دروس دوره متوسطه را بیان کنید.
- ملاک سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی را شرح دهید.
- فرآیند برنامه درسی را توضیح دهید.
- اجرای برنامه درسی را شرح دهید.
- ارزشیابی برنامه درسی را شرح دهید.

۱-۱- مقدمه

آموزش و پرورش به دلیل عملکردهای متعدد و متنوع از جمله آگاه‌سازی شهروندان، فراهم کردن زمینه لازم جهت رشد دانش، توسعه اقتصادی و اجتماعی به مهم‌ترین مسئله در کشورهای مختلف تبدیل شده است (کیامش و خیریه، ۱۳۷۹). بر همین اساس هدف‌های تربیتی دوره متوسطه عبارت است از، کسب عادت و مهارت‌های لازم

برای مطالعه و کار، آشنایی با روش‌های مؤثر فکر کردن و بیان کردن، رعایت اصول بهداشت و سازگاری شخصی و اجتماعی، دارا شدن نظر مساعد و قدرشناسی در فرصت‌های مختلف و تدوین یک فلسفه جامع از زندگی است (شریعتمداری، ۱۳۷۴، به نقل صافی، ۱۳۸۴) و از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان به‌شمار می‌آید. دوره متوسطه به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان، با سایر دوره‌های تحصیلی مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای دانش‌آموزان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلای می‌رسد، کنجکاوی آنان جهت معینی می‌یابد و مسایل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌کند و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند؛ از این‌رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد. نباید فراموش کرد که آموزش متوسطه منبع عظیم و بالقوه‌ای از توانمندی‌ها و انرژی‌های نوجوان و جوانان را در خود ذخیره کرده است و در بسیاری کشورها از این توانمندی در خصوص مواردی همچون حفظ محیط زیست (پاکسازی مناطق شهری و درختکاری) یا شرکت در حوادث غیر مترقبه (زلزله، سیل، آتش‌سوزی و غیره) استفاده می‌کنند.

مطالعه روند تعیین اهداف دوره متوسطه در ایران و تحولات آن نشان می‌دهد، مهم‌ترین هدف آموزش متوسطه ابتدا تربیت افراد برای جذب و استخدام در ادارات دولتی بوده است. در دستور تحصیلات دوره اول و دوم متوسطه مصوب شورای عالی فرهنگ علاوه بر این هدف، تکمیل اطلاعات عمومی و آماده شدن برای ورود به مدارس عالی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. دانش‌آموزان دوره متوسطه یا پس از آن معمولاً به پنج دسته تقسیم می‌شوند دسته اول کسانی هستند که با موفقیت دوره متوسطه را سپری نموده و وارد دانشگاه می‌شوند تا مدارک کاردانی یا کارشناسی اخذ کنند، دسته دوم دانش‌آموزان پسری هستند که به مراکز نظامی جهت گذراندن دوره سربازی می‌روند، دسته سوم دانش‌آموزان دختری هستند که یا ازدواج می‌کنند و یا در خانه پدری ساکن شده‌اند، دسته چهارم دانش‌آموزانی هستند که با داشتن شرایط سنی وارد مدارس شبانه بزرگسال می‌گردند و در نهایت دسته پنجم دانش‌آموزانی که در

برنامه درسی ۳

دوره متوسطه ترک تحصیل نموده و از سیستم آموزشی خارج و وارد بازار کار می‌شوند. در سال ۱۳۳۸، در آیین نامه دوره متوسطه، اهداف اختصاصی دوره دوم متوسطه، به شرح ذیل تعیین شد:

- تکمیل اطلاعات عمومی دانش‌آموزان؛
 - آماده کردن شاگردان برای ورود به دانشگاه‌ها؛
 - آموختن حرف‌ها و صنایع و آشنا کردن دانش‌آموزان به مبادی مشاغل آزاد.
- در طرح جدید آموزش متوسطه، هدف‌های خاص این دوره، که مکمل هدف‌های کلی و عمومی آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود، در سه گروه به شرح ذیل تعیین شده است:

۱. ایجاد و تقویت یک یا چند مهارت قابل عرضه، در بازار کار که با استعدادهای فردی تناسب داشته باشد و در عین حال، برای رفع نیازمندی دانش‌آموزانی که در پایان دوره متوسطه به فعالیت‌های اجتماعی و تولیدی و اقتصادی می‌پردازند، مفید واقع شود.
۲. ایجاد آمادگی کافی و مطلوب برای تحصیلات دانشگاهی و نیل به درجه تخصص در رشته‌های نظری و عملی یا علمی و فنی.
۳. کمک و یاری به دانش‌آموزان جهت کشف و شناخت استعدادها و توانایی‌های فردی به نحوی که هدایت آن‌ها را به مناسب‌ترین راه ادامه تحصیل یا اشتغال به کار و حرفه مناسب و قبول مسئولیت تولیدی و اقتصادی مفید باشد و امر راهنمایی تحصیلی و شغلی را در مقیاس وسیع‌تر و اساسی‌تر آن در مرحله نهایی که پایان تحصیلات متوسطه است، امکان‌پذیر سازد (شکوهی، ۱۳۷۰، به نقل صافی، ۱۳۸۴).

۱-۲- دوره متوسطه

دوره متوسطه از جنبه روان‌شناسی، دوره‌ای است که در آن حداکثر توافق بین خصوصیات فرد و مقتضیات رشته تحصیلی امکان‌پذیر می‌گردد، از جنبه اجتماعی مرحله‌ای از آموزش و پرورش است که دانش‌آموزان به افرادی مستقل و مسئولیت‌پذیر تبدیل و مهارت لازم جهت ورود به زندگی آینده کسب می‌نمایند و در نهایت از جنبه اقتصادی، دوره متوسطه به دنبال آماده کردن جوانان برای قبول مسئولیت‌های آینده و کسب درآمد از طریق یادگیری مجموعه‌ای از اطلاعات سازمان یافته و انواع مهارت‌های

شغلی است (معدن دار آرانی و کاکیا، ۱۳۹۱).

تاریخچه ایجاد دوره متوسطه به سبک جدید در ایران به سال ۱۲۲۸ و تأسیس دارالفنون باز می‌گردد. الگوی این مدرسه از نظر ساخت، برنامه درسی و مقررات آموزشی از کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه اقتباس شده است. پس از دارالفنون در شهرهای تبریز، ارومیه، اصفهان، همدان و رشت، مدارس متوسطه پسرانه و دخترانه توسط فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها تأسیس شد در قانون اساسی معارف، مصوب ۱۲۹۰ شمسی، دوره متوسطه بعد از دوره ابتدایی و قبل از مدارس عالی مطرح شده است. این دوره که دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۸ ساله را در بر می‌گیرد، یکی از دوره‌های حساس، مهم مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. دوره متوسطه دوره‌ای است که به علت ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزانش، با سایر دوره‌ها مشترکات و تمایزاتی دارد و دارای طیف وسیعی است که دوره نوجوانی را شامل شده و در انتهای طیف، به دوره جوانی می‌رسد. در این دوره، قدرت یادگیری آنان به حد اعلاي خود می‌رسد و مسایل جدیدی هم چون انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل و غیره ذهن ایشان را به خود مشغول می‌دارد. ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی نیز در این مرحله از رشد به دلیل پختگی نسبی فرد، صورت خاصی می‌یابد. به همین دلیل است که در نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان، دوره توسطه از اهمیت فراوانی برخوردار است و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز منبع اصلی تولید نیروی انسانی نیمه ماهر به‌شمار می‌رود.

در سال ۱۳۱۳ محل تحصیل دوره ابتدائی را دبستان و مدرس این دوره را معلم و محل تحصیل دوره متوسطه را دبیرستان و مدرس این دوره را دبیر نامگذاری کردند. همزمان با ایجاد و گسترش دبیرستان‌های نظری، تأسیس مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت و مدرسه فلاحی در رشت، هنرستان فنی با دو رشته درودگری و فلزکاری و دبیرستان تجارت در تهران تأسیس شد.

در سال تحصیلی ۱۳۳۵-۱۳۳۴، با تصویب شورای عالی فرهنگ، رشته‌های ادبی، ریاضی، طبیعی و خانه‌داری برای دختران و رشته‌های فنی و کشاورزی برای پسران ایجاد شد. در آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۳۸، بر توجه به استعداد و علاقه دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی تأکید شد و در سال ۱۳۴۴ به دنبال تأسیس دوره راهنمایی

برنامه درسی ۵

تحصیلی، دوره متوسطه عمومی، فنی و حرفه‌ای پیش‌بینی شد.^۱

وکیلان و کرباسی (۱۳۸۸) هدف‌های شاخه‌های تحصیلی نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش را به شرح زیر معرفی می‌کنند:

شاخه متوسطه نظری مشتمل بر رشته‌های ریاضی - فیزیک، ادبیات و علوم انسانی^۲، علوم تجربی و علوم و معارف اسلامی است و دربرگیرنده اهداف زیر است:

- اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات معنویات و فضایل اخلاقی و بینش سیاسی اجتماعی؛
- شناخت بهتر استعدادها و علاقه دانش‌آموزان و ایجاد زمینه مساعد جهت هدایت آنان به مسیرهای تحصیلی مناسب؛
- احراز آمادگی نسبی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در سطح عالی؛

شاخه فنی و حرفه‌ای مشتمل بر رشته‌های صنعت، کشاورزی و خدمات است، مراکز آموزشی مربوط به این شاخه هنرستان و دانش‌آموزان آن را هنرجو خوانده می‌شوند و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات و فضایل اخلاقی و بینش سیاسی و اجتماعی؛
- شناخت بهتر استعدادها و علاقه دانش‌آموزان و ایجاد زمینه مناسب، جهت هدایت آنان به سمت اشتغال مفید؛
- احراز آمادگی نسبی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی و کاربردی؛

شاخه کار و دانش اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات معنویات و فضایل اخلاقی و بینش سیاسی و اجتماعی؛
- تربیت نیروی انسانی در سطوح نیمه ماهر، ماهر و استادکاری و سرپرستی

۱. مدت تحصیل در هر یک از شاخه‌های نظری، کاردانش و فنی و حرفه‌ای چهار سال بود و دانش‌آموزان پس از سال اول در یکی از رشته‌های تحصیلی به مدت سه سال تحصیل می‌کردند به فارغ‌التحصیلان دوره چهارساله متوسطه، دیپلم کامل در یکی از رشته‌های مربوطه داده می‌شد. سال ۱۳۵۴-۱۳۵۳ تا ۱۳۷۱-۱۳۷۰ مدت تحصیل در دوره متوسطه چهار سال تعیین و در سال ۱۳۶۹ طرح تغییر نظام آموزش متوسطه پیشنهاد و پس از تأیید در شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۰ به صورت آزمایشی اجرا شد.

۲. از ادغام رشته‌های تحصیلی فرهنگ و ادب با اقتصاد - اجتماعی، رشته ادبیات و علوم انسانی به وجود آمد.

۶ برنامه درسی در دوره متوسطه

برای بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات؛
- احراز آمادگی نسبی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی و کاربردی.

۱-۳- برنامه درسی دوره متوسطه

برنامه درسی دوره متوسطه معطوف به مواد درسی است و بر قبولی در امتحان و در نهایت معلم محوری متمرکز است و به رشد و تکامل شخصی دانش‌آموزان چندنان توجهی ندارد لذا انتظار می‌رود که تأکید دانش‌آموزان بر انضباط و موفقیت در امتحانات باشد واژه برنامه درسی Curriculum از ریشه لاتین Race Course و به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر دست یابند. اطلاق چنین لفظی به یک رشته تخصصی جنبه تمثیلی و استعاره‌ای دارد، بنابراین مدارس همواره چیزی شبیه به یک میدان مسابقه برای دانش‌آموزان هستند که تمام دانش‌آموزان برای طی برنامه درسی و دستیابی به مدرک تحصیلی در رقابت با یکدیگر قرار گرفته‌اند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۴: ۱۵) استفاده از معادل «برنامه‌ریزی درسی» برای واژه Curriculum صحیح نیست؛ زیرا «برنامه‌ریزی درسی» معرف یکی از ابعاد رشته برنامه درسی بوده و تنها ناظر بر فرایند طراحی برنامه درسی یعنی Curriculum Development است. بنابراین از واژه Curriculum به جای «برنامه‌ریزی درسی» باید از «برنامه درسی» استفاده کرد. (مهر محمدی، ۱۳۸۱: ۵۶).

گذشته برنامه درسی در دوره متوسطه مانند برنامه درسی طولانی ولی تاریخچه‌ای کوتاه دارد. پی‌ریزی پایه‌های علمی برنامه درسی به‌عنوان حوزه‌ای مستقل، تخصصی و رشته تحصیلی به سال ۱۹۱۸ باز می‌گردد و نخستین کتاب در این زمینه توسط فرانکلین بوبیت^۱ منتشر شد. اگر چه بوبیت تحت تأثیر اصول مدیریت علمی بود، ولی درصدد کاربست این اصول در امر برنامه درسی بود در واقع اثر بوبیت نخستین پایه‌های نظری برنامه درسی را پی‌ریزی کرد و مشوق دیگران در این زمینه بود (قورچیان، ۱۳۷۴) پوزنر برای توضیح و تشریح بهتر مفهوم برنامه درسی، در کتاب

1. Franklin Bobbitt

برنامه درسی ۷

«تجزیه و تحلیل برنامه درسی»^۱ پنج نوع برنامه درسی را به شرح زیر معرفی می‌کند:

۱-۳-۱- برنامه درسی رسمی^۲

پوزنر از برنامه درسی رسمی به عنوان برنامه درسی مکتوبی نام می‌برد که در آن فهرست رئوس مطالب، راهنمای برنامه درسی و فهرست هدف‌ها به دقت تعریف شده باشد. هدف این برنامه درسی از یکسو، فراهم‌سازی مبنایی برای معلمان جهت برنامه‌ریزی طرح درس، ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و از سوی دیگر کمک به مدیران برای نظارت بر کار معلمان و پاسخگو نگه داشتن آن‌ها در قبال فعالیت‌ها و نتایج عملکردشان می‌باشد. برنامه درسی رسمی در مدارس زیر قابل اجرا است:

مدارس متوسطه دولتی نظری: به مدارس گفته می‌شود که کلیه امور آموزشی، پرورشی، مالی و اداری را دولت تقبل می‌نماید و هدف شناخت استعدادهای دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های دانشگاهی است.

مدارس کار و دانش: در مدارس کار و دانش علاوه بر دروس عمومی، به تربیت نیروی انسانی در سطوح نیمه ماهر، ماهر و استادکار برای بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات می‌پردازند.

مدارس فنی و حرفه‌ای: این مدارس علاوه بر دروس عمومی، با ایجاد علاقه در دانش‌آموزان، زمینه را برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی و کاربردی فراهم می‌کنند.

مدارس متوسطه استثنائی: این مدارس برای دانش‌آموزان و هنرجویان نابینا، ناشنوا، نیمه ناشنوا، عقب‌مانده ذهنی و عقب‌مانده تحصیلی و ناسازگار تأسیس می‌شوند.

مدارس متوسطه استعدادهای درخشان: به مدارس مقطع متوسطه‌ای گفته می‌شود که برای دانش‌آموزانی که از هوش و استعداد تحصیلی بالایی برخوردار هستند، ایجاد شده باشد.

مدارس متوسطه غیرانتفاعی: مدارس متوسطه‌ای است که از طریق مشارکت مردم و مطابق با ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش و تحت نظارت

1. Analyzing The Curriculum
2. Official Curriculum

آن وزارتخانه اداره می‌شوند.

۱-۳-۲- برنامه درسی اجرایی یا عملیاتی^۱

برنامه درسی اجرایی یا عملیاتی پوزنر در واقع همان برنامه درسی است که از آن تحت عنوان برنامه درسی کاربردی یاد می‌کنند. چنانکه از نامش پیداست عملاً توسط معلم تدریس می‌شود برنامه درسی اجرایی پوزنر همانند برنامه درسی کاربردی، دارای دو جنبه زیر است:

الف) محتوایی که مدنظر قرار می‌گیرد و مدت زمانی که توسط معلم به موضوعات و انواع مختلف یادگیری اختصاص می‌یابد. به عبارت دیگر، آن چه معلم در کلاس تدریس می‌کند و از آن تحت عنوان برنامه درسی تدریس شده،^۲ یاد می‌شود.

ب) نتایج یادگیری که دانش‌آموزان در قبال آن مسئول هستند و از طریق آزمون، سنجیده می‌شود و به آن برنامه درسی سنجشی اطلاق می‌شود. در حقیقت برنامه درسی تدریس شده و برنامه درسی سنجشی صرف نظر از میزان سازگاری و انطباق آن‌ها با برنامه درسی رسمی، ابعاد مختلف برنامه درسی اجرایی را تشکیل می‌دهند.

برنامه درسی اجرایی، ممکن است به شدت با برنامه درسی رسمی، تفاوت داشته باشد. زیرا معلمان، برنامه درسی رسمی را با توجه به دانش، باورها و نگرش‌های خود تعبیر و تفسیر می‌کنند. به علاوه همان‌طور که بسیاری از متخصصان نظیر پاول^۳، فارر^۴ و کوهن^۵ خاطرنشان ساخته‌اند، دانش‌آموزان بر برنامه درسی اجرایی تأثیر بسزایی می‌گذارند.

۱-۳-۳- برنامه درسی پنهان^۶

برنامه درسی پنهان، عمدتاً مورد تایید نیروهای رسمی مدرسه نیست، اما در مقایسه با برنامه درسی رسمی، تأثیری به مراتب عمیق‌تر بر دانش‌آموزان می‌گذارد. برنامه درسی

1. Operational Curriculum
2. Thought Curriculum
3. Powell
4. Farer
5. Cohen
6. Hidden Curriculum

برنامه درسی ۹

پنهان، از زمانی مورد توجه محققان قرار گرفت که آنان دریافتند مدارس بیش از آن چه مدعی هستند، به دانش‌آموزان می‌آموزند، آموزش‌های غیر رسمی بر رفتار دانش‌آموزان مؤثر است.

امروزه برنامه درسی پنهان در حوزه علوم تربیتی، مفهومی جا افتاده است، اگرچه، این مفهوم ابتدا توسط یک کارشناس علوم تربیتی به نام جکسون وضع شد، اما جامعه‌شناسان تعلیم و تربیت بیش از سایرین به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند، لذا بسیاری از پژوهش‌هایی که در زمینه برنامه درسی پنهان انجام شده، عموماً جهت‌گیری جامعه‌شناسانه دارند و جالب اینکه حتی روان‌شناسان تربیتی وقتی که به بررسی برنامه درسی پنهان می‌پردازند، دیدی جامعه‌شناسانه اتخاذ می‌کنند (آزور و گوردن^۱، ۱۹۸۷:۳۲۹). معنای لغوی «پنهان بودن» از مقاله پورتلی (۱۹۹۳) به عنوان مقدمه ضروری بحث در مورد برنامه‌های درسی پنهان مطرح شده است. اگرچه، آغاز رسمی بحث برنامه درسی را می‌توان انتشار کتاب جکسون تحت عنوان «زندگی در کلاس درس» در سال ۱۹۶۸ دانست، اما پس از انتشار این کتاب، نظریه پردازان برنامه درسی و دست اندرکاران نظام آموزشی، درباره آن چه مدرسه انجام می‌دهد و آن چه انجام نمی‌دهد مخصوصاً درباره تدریس آشکار و ضمنی که در کلاس انجام می‌گیرد، مباحث بسیاری را مطرح کردند.

پورتلی (۱۹۹۳) نقل از علیخانی و مهرمحمدی، (۱۳۸۳) مفاهیم مختلفی را که در پیشینه برنامه درسی پنهان می‌توان یافت به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- برنامه درسی پنهان، به عنوان انتظارات غیر رسمی یا پیام‌های غیر صریح، اما مورد انتظار؛

- برنامه درسی پنهان به عنوان پیامدها یا نتایج قصد نشده یادگیری؛

- برنامه درسی پنهان به عنوان پیام‌های غیر صریح ناشی از ساختار نظام آموزشی؛

- برنامه درسی پنهان به عنوان آن چه دانش‌آموزان خلق می‌کنند.

به اعتقاد گیروکس و پنا^۲ (۱۹۸۳) برنامه درسی پنهان، تنها به بعد رسمی برنامه درسی مربوط نیست، بلکه هر چیزی که به‌طور ضمنی در اصول سازماندهی نظام

۱۰ برنامه درسی در دوره متوسطه

آموزشی و در الگوهای ارتباطی مدرسه وجود دارد را شامل می‌شود. آنان بر این باورند که بهتر است برنامه درسی پنهان را آموزش ضمنی یا غیر صریح بنامیم، زیرا این واژه شامل همه آموزش‌هایی است که ورای نتایج یادگیری رسمی واقع می‌شود آیسبوروک (۲۰۰۰) نیز با گیروکس و پنا (۱۹۸۳) هم عقیده است و بیان می‌کند که برنامه درسی پنهان، از علایم ضمنی جو اجتماعی مدرسه که نوشته نشده، ولی توسط همه احساس می‌شود، تشکیل می‌شود.

۱-۳-۴- برنامه درسی پوچ^۱

حوزه تجربه یا نتایج یادگیری دانش‌آموزان، تحت تأثیر سه نوع برنامه درسی صریح، پنهان (ضمنی) و پوچ شکل می‌گیرد. برنامه درسی پوچ و پنهان، به این معناست که دانش‌آموزان، در جریان حضور در نظام آموزشی و شکل‌گیری تجربیاتشان، علاوه بر برنامه درسی صریح، تحت تأثیر این دو برنامه نیز قرار می‌گیرند. برنامه درسی پوچ، که از آن تحت عنوان برنامه درسی خنثی یا عقیم نیز یاد می‌شود، شامل آن دسته از موضوعاتی است؛ که تدریس نشده است. اهمیت برنامه درسی پوچ از آن جهت است که عدم حضور آن، بر جریان رشد دانش‌آموزان اثری تعیین‌کننده بر جای می‌گذارد. برنامه‌ریزان درسی باید به‌طور مستمر، از خود بپرسند که آیا آن چه حذف گردیده و تدریس نمی‌شود، از اهمیت و اولویت کمتری نسبت به آن چه اکنون تدریس می‌شود، برخوردار است؟ (مهر محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳۹)

۱-۳-۵- برنامه درسی فوق برنامه^۲

پنجمین نوع برنامه درسی، برنامه درسی فوق برنامه است که پوزنر بر آن تأکید می‌کند. بزعم وی، برنامه درسی فوق برنامه شامل، کلیه تجربیات برنامه‌ریزی شده‌ای است که از حیطه موضوعات درسی مدرسه، خارج است. این نوع برنامه درسی با عنایت به ماهیت داوطلبانه بودن آن و پاسخ‌گو بودن آن در قبال علایق و رغبت‌های دانش‌آموزان در نقطه مقابل برنامه درسی رسمی، قرار می‌گیرد. اگر چه از لحاظ اداری عمدتاً کم

1. Null curriculum
2. Extra curriculum

اهمیت‌تر از برنامه درسی رسمی است اما در بسیاری از جهات مهم‌تر و مؤثرتر از آن می‌باشد. آموزش‌های هنری، نمونه‌ای از این نوع برنامه درسی است.

بزعم پوزنر، تمام پنج نوع برنامه درسی مذکور، نقش بارزی در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان دارند. پیام عمده این طبقه بندی به برنامه‌ریزان درسی و معلمان، این است که هنگام تجزیه و تحلیل برنامه درسی رسمی، این سؤال را به‌طور مداوم از خود پرسند که چگونه، چهار نوع دیگر برنامه درسی بر برنامه درسی رسمی اثر می‌گذارند؟ اگر برنامه درسی رسمی به همراه برنامه‌های درسی پنهان و فوق برنامه اجرا گردد. چه اتفاقی برای برنامه درسی خواهد افتاد؟ و سؤالات دیگری از این دست، مطرح می‌شود.

۱-۴- عناصر برنامه درسی متوسطه

عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی دوره متوسطه با توجه به چگونگی تصمیم‌گیری این عناصر یا تعیین نقشه‌ای برای آموزش است. در حوزه طراحی برنامه درسی، عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی مطرح می‌گردد (قورچیان، ۱۳۷۴). به عبارت دیگر طراحی برنامه درسی، به فرایند مشخص کردن عناصر برنامه درسی و گنجاندن آن‌ها در برنامه اشاره می‌کند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۴: ۲۸).

برنامه‌ریزان درسی با توجه به نگرشی که نسبت به ماهیت برنامه درسی دارند در مورد عناصر اصلی برنامه درسی تصمیم‌گیری می‌کنند و عناصر برنامه درسی را در سه محور خلاصه می‌کنند که عبارتند از:

برنامه درسی موضوع محور

در برنامه درسی موضوع محور، یادگیری مکانیکی است، بنابراین هدف‌ها و محتوا از قبل تعیین و سازماندهی می‌گردد. همچنین بر حجم مطالب بیش از فرایند یادگیری تأکید می‌شود. گرایش شدید دوره‌های نظری بر مطالب حفظی و بر آموخته‌های نظری متأثر از شیوه‌های برگزاری آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها، عدم انعطاف در سازماندهی و برنامه‌ریزی درسی برای استفاده از امکانات موجود محیط، ضعف

۱۲ برنامه درسی در دوره متوسطه

فعالیت‌های فوق برنامه در زمینه‌های مختلف و عدم تناسب برنامه‌های درسی با نیاز بازار کار را می‌توان به‌عنوان مشکلات برنامه درسی آموزش متوسطه نام برد.

برنامه درسی دانش‌آموز محور

برنامه درسی دانش‌آموز محور بر ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموز تأکید می‌کند و آموزش بنا به ویژگی‌های دانش‌آموز حالتی انفرادی به خود می‌گیرد.

برنامه درسی جامعه محور

در برنامه درسی جامعه محور، اصلاح و توسعه جامعه هدفی اساسی به حساب می‌آید بنابراین، محتوای برنامه درسی از زندگی اجتماعی نشأت می‌گیرد و بر به‌کارگیری روش حل مسئله در فرایند یادگیری تأکید می‌شود (ملکی، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۹). اگر در برنامه درسی، یکی از سه نگرش یاد شده پذیرفته شود، انتخاب عناصر متفاوت خواهد بود. به‌طور کلی عناصر شناسایی و تنظیم هدف‌ها، گزینش و سازماندهی محتوا، انتخاب راهبرد یاددهی - یادگیری (روش تدریس)، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در مرحله طراحی برنامه درسی مورد توافق برنامه‌ریزان درسی قرار دارد (نیکلس، ۱۳۷۴). کلاین (۱۹۹۱) به نقل از کرمی و همکاران، (۱۳۹۱) عناصر برنامه درسی را در قالب نه عنصر اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه‌بندی مطرح کرده است.

۱-۴-۱- مقاصد و اهداف

هدف، بیانگر تغییرات مورد انتظار در رفتار یادگیرنده است. تا زمانی که این تغییرات به‌صورت خیلی کلی، بیان شده باشد، قابل حصول نیست. زیرا نمی‌توان بر اساس آن به انتخاب سایر عناصر برنامه درسی نظیر محتوا، روش تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی پرداخت. اهداف دوره متوسطه بر اساس مبانی فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و علمی تعیین می‌شوند. برخلاف نظر تعدادی از برنامه‌ریزان درسی که فلسفه تربیتی را صافی به حساب می‌آورند، فلسفه در راس هرم برنامه درسی قرار دارد. زیرا زمانی که فلسفه را هم چون صافی بدانیم این فرض را پذیرفته‌ایم که برنامه‌ریز با

برنامه درسی ۱۳

معیارها و شاخص‌های دیگری، هدف‌های برنامه درسی را انتخاب می‌کند و در مرحله پایین‌تر با صافی فلسفه آن‌ها را محک می‌زند. در حالی که فلسفه تعلیم و تربیت یک معیار اساسی انتخاب است و در تمام تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی، تعیین‌کننده است. هاپکینز^۱ لزوم به‌کارگیری فلسفه در برنامه درسی را مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است؛ هر فعالیتی که در برنامه درسی بر اساس فلسفه نباشد، توده‌ای از پوشال است که بایستی از تجارب تربیتی بیرون ریخته شود (ارنشتاین و هانکینس، ۱۳۷۳: ۶۸).

تایلر، کاربرد نظریات فلسفی در برنامه‌ریزی درسی را جهت تدوین اهداف آموزشی مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است، که فلسفه تعلیم و تربیت برای تلطیف یا بیان دقیق هدف‌های تربیتی به‌کار گرفته می‌شوند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت درباره ارزش تدریس، یادگیری موضوعات اولویت دار و ارزشمندی هر موضوع بحث می‌کند.

دیوئی، فلسفه تعلیم و تربیت را «تئوری عمومی تعلیم و تربیت» می‌داند. به نظر او اگر تعلیم و تربیت، فرایند ایجاد گرایش‌های بنیادی، عقلانی و عاطفی نسبت به طبیعت و هم‌نوعان بدانیم در این صورت حتی می‌توانیم فلسفه را به‌عنوان «نظریه عمومی تعلیم و تربیت» تعریف کنیم. بنابراین، فلسفه تعلیم و تربیت نه تنها نقطه شروع بلکه پایه و اساس همه فعالیت‌های برنامه درسی است.

در بررسی نظریات فلسفی درباره نقش فلسفه تعلیم و تربیت در تعیین اهداف، دو گونه نظر را می‌توان از هم متمایز ساخت. دیدگاهی که به هدف‌های برون ذاتی توجه دارد. در این دیدگاه همه فعالیت‌های انسان از جمله تعلیم و تربیت به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف والاتر است (نقیب زاده، ۱۳۷۶). دیدگاه دیگر آن است که تعلیم و تربیت هدفی و رای خود ندارد. بنابراین هدف تعلیم و تربیت باید از درون و به‌ویژه با توجه به موقعیت و اوضاع زمانی و مکانی باشد. دیوئی که از طرفداران این نظریه است، معتقد است اگر هدف فعالیت از بیرون به تربی تحمیل شود، انسجام و پیوستگی درون ذاتی فعالیت از بین می‌رود (کاردان، ۱۳۶۸). یکی دیگر از منابع اساسی تعیین اهداف برنامه‌های درسی، جامعه است. طراحان برنامه درسی باید با توجه به دوره تحصیلی و موضوع درسی سعی نمایند تا

نیازها، انتظارات و مشکلات جامعه را شناخته و در برنامه درسی منعکس نمایند. به عبارت دیگر از جمله وظایف برنامه‌های درسی رفع نیازهای جامعه است. مطالعه ابعاد مختلف جامعه، این امکان را فراهم می‌آورد که از طریق آن بتوان زمینه‌های مختلف کارآیی دانش‌آموز را برای ورود به جامعه به‌عنوان یک شهروند شناخت و آن را موضوع آموزش قرار داد (مهر محمدی، ۱۳۷۰). بدین ترتیب روشن است که برنامه‌ریزان درسی باید به منظور حفظ و تحکیم مبانی وحدت اجتماعی، فرهنگ و عناصر فرهنگی جامعه را شناخته و به فراخور توان و قدرت درک دانش‌آموزان، عناصر مذکور را در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف وارد سازند.

مهم‌ترین منبع اطلاعاتی مورد قبول اکثر برنامه‌ریزان درسی، یادگیرنده خصایص، قابلیت‌ها و نیازهای او می‌باشد.

برای این که دانش‌آموزان، در جریان یادگیری نقش مهمی ایفا کنند، باید موضوعی را که می‌خواهد بیاموزد، مورد علاقه آنان باشد. برای جلب علاقه و رغبت به یادگیری موضوع‌های درسی، لازم است که دانش‌آموزان، مطالب درسی را نوعی یادگیری ارزشمند، قابل کاربرد و متناسب با نیازها و احتیاجات خود بدانند و اگر ارزش و اهمیت موضوع درسی مشخص و آشکار نباشد، سبب کم توجهی دانش‌آموزان به موضوع درسی می‌شود. (طالبی و همکاران، ۱۳۹۱)

دانش‌آموزان، نیازهای گوناگونی دارند از قبیل: نیاز به بهداشت، رعایت مقررات، ارتباط با دیگران و غیره که تأمین این نیازها دانش‌آموزان را برای زندگی روزمره و معمولی آماده می‌سازد. البته در بررسی نیازها نباید فقط به نیازهای آنی توجه کرد.

نقطه اتصال علایق و نیازهای فراگیران با برنامه درسی در هدف‌های برنامه درسی متجلی می‌شود زیرا علت اصلی مشکلات تحصیلی بسیاری از دانش‌آموزان در دوره متوسطه، عدم علاقه به درس و مدرسه است. لذت یا تنفر از درس و مدرسه به دو عامل چگونگی کیفیت آموزش و استعداد و انگیزش دانش‌آموزان بستگی دارد معلم ناآشنا با روح حساس و لطیف جوان با گفتن یک جمله مذمت‌آمیز به دانش‌آموز در جمع، باعث ایجاد تنفر دانش‌آموز از درس و محیط مدرسه می‌شود. بنابراین در تعیین هدف‌های برنامه درسی باید به میل و رغبت، نیازهای آنی و آتی دانش‌آموزان توجه

گردد. بدون میل و رغبت، تقویت حیطه شناختی امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا میل و رغبت جز تفکیک ناپذیر یادگیری است. (مایرز، ۱۳۷۴)

برنامه‌ریزان درسی، باید خود را در مقابل این مشکل قرار دهند که با توجه به این که دانش به سرعت تولید می‌شود و با سرعت کهنه و منسوخ می‌شود، چگونه می‌توان آن را به دانش‌آموزان آموخت. بر همین اساس است که دیدگاه رشد و تکامل فرایندهای شناختی، کارکرد اصلی مدرسه را کمک به دانش‌آموزان در خصوص یادگیری شیوه یادگیری می‌داند. هر برنامه درسی با یکی از رشته‌های علمی ارتباط مستقیم دارد و محتوای رشته‌های مختلف علمی هستند که بستر رشد استعدادهای یادگیرنده را مهیا می‌سازند. برای این منظور برنامه‌ریزان درسی باید با کمک متخصصان حوزه‌های مختلف علوم، تصویری دقیق از گستره علوم مختلف به‌دست آورند و مناسب‌ترین قسمت‌های محتوای هر یک از علوم را به‌تدریج در برنامه درسی پایه‌های مختلف تحصیلی برای دانش‌آموزان ارائه نمایند. باید توجه داشت که انتخاب از بین مجموعه و گستره یک رشته علمی باید حاوی ارزش‌ها، مفاهیم و اصول مرتبط با آن رشته باشد. (لوی ترجمه مشایخ، ۱۳۸۰). علاوه بر این برنامه درسی باید بتواند یادگیرندگان را با مفاهیم اساسی رشته علمی آشنا کند. علاوه بر مفاهیم، فراگیران باید مهارت‌ها و نگرش‌های لازم جهت مطالعه بهتر آن علم را به‌دست آورند، همچنین، هر کدام از رشته‌های علمی دارای روش تحقیق خاصی هستند که موجب توسعه و گسترش علم می‌شود. آشنایی یادگیرندگان با روش تحقیق، توانایی تولید دانش را در آن‌ها ایجاد می‌کند.

تجزیه هدف‌های کلی به اهداف جزئی و در صورت نیاز به هدف‌های رفتاری، موجب می‌شود تا برنامه درسی و طرح درس متناسب با جنبه‌های مختلف تغییرات مورد نظر، تنظیم گردد. چنین تجزیه‌ای، اگر به درستی انجام شود، علاوه بر کاستن از پیچیدگی کار با مشخص ساختن جنبه‌های مختلف تغییر مورد نظر، موجب می‌شود که، هیچ بخشی از تغییرات مورد انتظار از نظر دور نماند.

کلی‌ترین شکل هدف‌ها، با عنوان هدف‌های غایی یا آرمانی، خوانده می‌شود این نوع هدف‌ها بیانگر فلسفه تربیتی و مشخص‌کننده، جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی و پرورشی یک کشور هستند و حالتی فلسفی و اعتقادی دارند و توسط سیاست‌گذاران و

خبرگان نظام آموزشی تعیین می‌شوند. اصطلاح هدف‌های غایی یا آرمانی معمولاً با اصطلاح مقاصد به جای یکدیگر به کار می‌روند (سیلور، الکساندر و لوئیس، ۱۳۷۸:۲۵۱) و همان طور که از نامشان مشخص است، مبین آرمان‌ها و آرزوهای یک ملت است. بنابراین، کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناظر بر این هدف‌ها هستند، شکل بیان این هدف‌ها بسیار کلی و شعارگونه به نظر می‌رسند. لذا ارزشیابی آن‌ها از این لحاظ که تا چه حد به آن‌ها دست یافته ایم بسیار مشکل است، اما از این لحاظ که جهت‌دهنده هستند، مهم و ضروری می‌باشند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۲:۷۵).

پس از هدف‌های غایی (آرمانی)، هدف‌های کلی آموزش قرار می‌گیرند. این قبیل هدف‌ها مربوط به هر یک از نهادهای اجتماعی است. مثلاً نظام آموزشی در کلیه سطوح (پیش دبستانی، دبستانی، دوره اول و دوم متوسطه و دانشگاه) و سایر شکل‌های دیگر مانند رسمی و غیر رسمی، اهدافی را تعقیب می‌کند که خاص خودش می‌باشد. هدف‌های کلی آموزش و پرورش (سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها) در حیطه کار برنامه‌ریزان و کارشناسان آموزشی قرار دارد، هدف‌های کلی نسبت به هدف‌های آرمانی دقیق‌ترند و در قانون اساسی مندرج می‌گردند. چنین هدف‌هایی از اهمیت سیاسی برخوردارند و عموماً به‌وسیله سیاستمداران بیان می‌شود، تا توافق گروه‌های بسیاری از جامعه را در بر داشته باشد (لوی ترجمه مشایخ، ۱۳۸۰:۳۵). در نهایت هدف‌های کلی درس و هدف‌های جزئی قرار دارد. البته هدف‌های جزئی، نیز قابل تقسیم به هدف‌های جزئی‌تر نظیر هدف‌های رفتاری است.

رابرت میگر روش تبدیل هدف‌های کلی به هدف‌های دقیق آموزشی (یا رفتاری)، را تحلیل غایت می‌نامد. وی برای هدف‌های آموزشی، اصطلاح هدف‌های رفتاری را پیشنهاد می‌کند، و معتقد است، اهداف رفتاری، بیاناتی هستند، درباره عملکرد که انتظار می‌رود دانش‌آموزان آن را انجام دهد (سیف، ۱۳۷۹). هدف‌های رفتاری در مرحله نهایی تجزیه هدف‌ها به دست می‌آید. درک کردن و دریافتن نوعی رفتار محسوب می‌شود که نمی‌توان مستقیماً آن را مشاهده کرد زمانی که یک دانش‌آموز مطلبی را درک می‌کند، او این عمل را در مغز خود انجام می‌دهد و ممکن است مطلب را به‌طور کامل درک کند، بدون آن که هیچ علامتی در خارج از خود بروز دهد چنین رفتاری را رفتار نهان و هدف‌های رفتاری که مستلزم رفتار پوشیده هستند و مستقیماً قابل مشاهده

نیستند را هدف‌های نهان می‌گویند. اهدافی که به خودی خود قابل مشاهده هستند را رفتار آشکار و هدف‌هایی که مستلزم رفتار نهایی آشکار هستند، هدف‌های رفتاری آشکار نامیده می‌شوند. روی همین اصل در بیان آن از افعال حرکتی استفاده می‌شود در هدف‌های رفتاری آشکار از افعالی نظیر حل کردن، خواندن، توضیح دادن و توصیف کردن و در هدف‌های نهان از افعالی که کمتر حرکتی هستند، هم چون فهمیدن، دریافتن، احساس کردن و باور داشتن استفاده می‌شود. عیب هدف‌های رفتاری نهان، آن است که مستقیماً قابل مشاهده نمی‌باشند و از سویی عیب هدف‌های رفتاری آشکار این است که غالب اوقات معلمان برای یافتن هدف‌هایی که به سهولت قابل مشاهده باشند به هدف‌های کم مایه و نامربوط متوسل می‌شوند.

دوره متوسطه، از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره بسیار مهمی است. دوره‌ای که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می‌دهد و گروه کثیری را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌کند؛ از این رو هر نوع نارسائی و خلل در این دوره مستقیماً بر عملکرد و کیفیت آموزش عمومی و عالی، تأثیر بسزائی خواهد داشت اهداف برنامه درسی آموزش متوسطه به شرح زیر می‌باشد

- **گسترش احساس تعلق:** جوامع و کشورها از اقوام و گروه‌های متعدد و متفاوتی پدید آمده‌اند و شهروندان آن دارای یک مذهب نیستند و باید حداقل میان آن‌ها احساس تعلق، گسترش یابد. این وظیفه با عنوان وظیفه وحدت بخش معرفی می‌شود و بدین معناست که شاگردان در مدرسه با یک زبان عمومی آشنا شوند، تا بتوانند به علائق عمومی دست یافته و عقاید عامه را بعنوان عقاید عمومی برای زندگی بپذیرند. زیرا، در کشورهای مختلف عقاید در مورد وظایف آموزش متوسطه کاملاً مغایرند. میثاق‌های عمومی مردم نیز نظیر قانون اساسی، محوری برای وحدت بخشی محسوب می‌شوند. مسئله احساس تعلق در گستره عام‌تر اعتقادات و باورهای وسیع از جمله اعتقادات دینی نیز مطرح است.

- **پرورش تفاوت‌های فردی:** در مدارس، نه تنها نباید افراد را یکسان کنند. بلکه بالعکس باید آن‌ها را کمک کنند تا در زمینه‌هایی خاص از یکدیگر متمایز شوند. دانش‌آموزان باید برای مشاغل گوناگون آماده شوند و نسبت به اوقات فراغت و بیکاری رغبت‌های گوناگونی داشته باشند.

- **گسترش نظام ارزش‌ها:** مدارس متوسطه باید به طریقی عمل کنند که جوانان را در توسعه نظام ارزش‌ها و فلسفه زندگی خودشان توانا ساخته و برانگیزند. ارزش‌های متعدد و متعارض، نوعی گیجی و ابهام برای افراد پدید می‌آورند و امکان عمل را از او می‌گیرند لذا ارزش‌های متعدد برای زندگی باید مورد توجه قرار گیرند و شناسایی شوند.

- **انتقال میراث فرهنگی:** از آغاز تأسیس مدارس متوسطه در بیشتر کشورها اعتقاد بر این است که مدارس متوسطه باید بتوانند میراث فرهنگی مردم یک کشور و جهان را به نسل‌های آتی منتقل کنند. این امر به طرق گوناگون تعبیر شده است: ۱- آشناسازی جوانان با کتاب‌های بزرگ و معتبر ۲- آشناسازی جوانان با هنر، موسیقی، ادبیات کهن، فلسفی و داستانی ۳- قبول و پیروی جوانان از اصول زندگی و رسوم بزرگسالان ۴- پذیرش عقاید سیاسی و مذهبی بزرگسالان.

- **آمادگی برای بزرگسالی:** یکی از وظایف مدارس متوسطه، باید آماده‌سازی جوانان برای زندگی در دوره بزرگسالی باشد. یعنی اصل زندگی باید به منظور تحصیل زندگی بهتر جوانان و البته درک سریع آنان از موضوعاتی چون آمادگی برای ازدواج، تشکیل خانواده، شرکت در انتخابات و پرورش و تربیت کودک و کسب در آمد برای امرار معاش باشد.

- **توسعه آموزش آزاد منشانه:** وظیفه تعلیم و تربیت، یک آموزش آزادست که به طرق گوناگونی تعریف شده است. برخی آنرا کسب تحصیلات عمومی علمی می‌دانند، برخی دیگر آنرا منحصر به تحصیلات کلاسیک و مطالعه کتب معتبر می‌دانند و گروهی نیز، مصرانه براین باورند که باید دربرگیرنده جنبه‌های مختلف زندگی و فرهنگ بوده و از تمایل و آزادی افکار جوانان و آشنایی با آن عقاید گوناگون و اتحاد فرهنگها صحبت نماید.

- **آمادگی برای یادگیری مداوم:** آموزش متوسطه، باید درهای تحقیق بیشتر را بگشاید و نیز به‌عنوان هدفی فی نفسه به ایجاد توانایی انجام تحقیق نگاه کند، تا جوانان را برای دانشگاه و یادگیری مداوم آماده سازد

- **نقش نگهداری (حفظ):** یکی از وظایف مدارس متوسطه، حفظ نسبت بیشتری از شاگردان مستعد برای تحصیل تا کلاس دوازدهم و کاهش تعداد